

۱۹ آبان سالروز شهادت قهرمان نهضت ملی ایران دکتر سید حسین فاطمی

"ما سه سال در این کشور حکومت کردیم و یک نفر از مخالفان خود را نکشتیم برای آنکه نیامده بودیم برادر کشی کنیم. ما برای آن قیام کردیم که ایران را متحد کرده و دست خارجی را از کشور کوتاه کنیم.....شاه باید از روزی بترسد که به سر نوشت **لویی شانزدهم، تزار روس، محمد علی میرزا و رضا خان** مبتلا گردد."

این واژگان از آخرین جملات مردی بود که با بدنی تب دار که از درد و رنج به خود می پیچید قبل از اعدام برای افسران و نظامیان حاضر در آیین اعدام خود سخنرانی می کند.

شادروان دکتر فاطمی به سال ۱۲۹۶ در شهر نائین چشم به جهان گشود پدرش **سید علی محمد** مشهور به **سیف العلما** از روحانیون طراز نخست نائین محسوب می شد دوران ابتدایی را در نائین و برای تأمین هزینه ادامه تحصیل در روزنامه چاپ اصفهان مشغول به کار شد و همین امر باعث شد که در تهران با روزنامه **ستاره** به مدیر مسئولی **احمد ملکی** همکاری کند فاطمی برای ادامه تحصیلات عازم اروپا شد و با اخذ درجه دکترا به ایران بازگشت.

پس از شهریور ۱۳۲۰ با اندک آزاد شدن فضای سیاسی ایران، روزنامه باختر امروز را منتشر کرد و در نهضت ملی شدن نفت به رهبری **دکتر محمد مصدق** از همکاران نزدیک وی بود.

"به گفته مصدق:

دکتر فاطمی نخستین کسی بود که پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت در سراسر ایران را ارائه داد.

در اردیبهشت ۱۳۲۰ دکتر مصدق رئیس دولت شد و یار غمخوار و دلسوز خود دکتر فاطمی را به عنوان معاون سیاسی و پارلمانی خویش بر گزید در ۲۳ بهمن ۱۳۳۰ زمانی که دکتر فاطمی به منظور بزرگداشت **محمد مسعود** در ظهیر الدوله حاضر شده و در حال سخنرانی بود مورد اصابت گلوله قرار گرفت. سلاحی که از طرف **سید ضیاء**، عامل شناخته شده انگلیس در ارتباط با **ابراهیم صرافان** مسئول مالی گروه فدائیان اسلام، در اختیار **عبدالحسین واحدی** قرار گرفته بود و او سلاح را به جوانی به نام **مهدی عبد خدایی** داد که بوسیله آن دکتر فاطمی، این مبارز ضد استعمار انگلیس، ترور شد.

دکتر فاطمی در راه انتقال به بیمارستان به همراهان گفت:

دیدید بالاخره انگلیس ها به وسیله ایادیشان کار خود را کردند.

پدر عبد خدایی" پس از این اقدام نا جوانمردانه فرزند ناخلفش ضمن تفاضای عفو فرزندش از دکتر فاطمی اعلام می کند که پسر من جوانی است که چهار سال بیشتر تحصیل نکرده و مورد سوء استفاده چند نفر از خدا بی خیر قرار گرفته است.

فاطمی پس از ترور در نخستین مقاله با ختر امروز نوشت:

"این گلوله اینتلیجنت سرویس بر پایداری و استقامت من صد چندان افزود و مرا در راه خدمت به میهن عزیزم سر سخت تر و آهنین تر و فداکار تر نمود"

او گفت " ما می خواهیم آزاد و مستقل زندگی کنیم... باید لباس شرافت و مردانگی که در خور یک ملت صاحب تاریخ و تمدن است بر تن کنیم."

مخالفت پیگیر دکتر فاطمی با دربار پس از شکست کودتا در ۲۵ مرداد به اوج رسید

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دکتر فاطمی به سختی تحت تعقیب قرار گرفته بود که بالاخره دستگیر شد.

روز محاکمه اش قبل از ورود به دادگاه به شدت مورد ضرب و شتم دار و دسته **شعبان جعفری** قرار گرفت.

دکتر فاطمی قبل از اعدام برای افسران و نظامیان حاضر در مراسم اعدام طی سخنانی می گوید:

"من در این لحظات در مقام تظاهر و عوام فریبی نیستم به مرگ خود یقین دارم... ما از نهضتی به پیشوایی دکتر محمد مصدق حمایت کردیم که هیچ قصد و غرضی جز عزت و استقلال مملکت نداشت من برای آن کشته می شوم که اولین اقدام در وزارت، بستن سفارتخانه و قطع رابطه با انگلستان بود. هیچ مایوس نیستم. از هر قطره خون من هزارن نهال می روید و با تایید خداوند قهار انتقام این ملت ستمدیده را از استعمار نا پاک می گیرد."

در این موقع **آزموده** دادستان جنایت کار گفت اگر وصیتی دارید بفرمایید شما که مکرر می گفتید از مرگ ابایی ندارید و مرگ حق است دکتر فاطمی پاسخ می دهد:

"آری آقای **آزموده** مرگ حق است و من از مرگ ابایی ندارم آقای **آزموده** مرگ بر دو قسم است مرگ در رختخواب ناز و مرگی در راه شرف و افتخار، من خدا را شکر می کنم که در راه مبارزه با فساد شهید می شوم."

او را پای جوخه اعدام بردند فریاد بر آورد "**بسم الله الرحمن الرحيم**" پاینده ایران "زنده باد دکتر مصدق" و صدای شلیک مرگبار گلوله و سکوت.

فاطمی رفت، مردی که نمونه شرافت، صداقت، میهن پرستی، استعمار ستیزی و آزادیخواهی و وفای به عهد بود چهل روز از تیر باران این سر دار فداکار نهضت ملی گذشت و مزار این جانباخته میهن در کنترل و محاصره نیروهای امنیتی بود

مردم در گروههای گوناگون پیرامون گورستان ساکت ایستاده بودند که **بانو سلطنت فاطمی** به سمت مزار برادر خیز برداشت و نا گهان زنده یاد **اسماعیل کریم آبادی** رو به **داریوش فروهر** مبارز شجاع نهضت ملی کرد و گفت چرا ساکت ایستاده اید جوان، باید بر سر مزار رفت در این هنگام خود به اتفاق زنده یاد داریوش فروهر به همراه **دکتر سعید فاطمی** صف ماموران را شکافتند و بسوی مزار رفتند و مردم هم به دنبال آنها حرکت کردند و مزار فاطمی را چون نگینی در میان گرفتند.

"حزب ملت ایران"

از آن سال تا کنون همواره در آیین های سالگرد، حضور موثر خود را برای زنده داشت نام و آرمان های نهضت ملی حفظ کرده و این شیوه تا رسیدن به سر منزل مقصود و سپردن مشعل آن به نسل جدید ادامه خواهد یافت.

"درس تاریخ"

۲۵ سال بعد وقتی شاه در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ از برابر موج آزادیخواهانه ملت می گریخت که بیشترین نزدیکانش در زندان بودند، تنها سفارش یک نفر را به نخست وزیر می کرد که به او پاسپورت بدهد که او هم **آزموده** دادستان جنایتکار دادگاه نظامی مصدق و یاران قهرمانش بود و سر انجام شعبان جعفری و **آزموده** به خارج گریختند و در بدر شدند و در نهایت نکبت و بد نامی از رنج های خود گفتند.

نصیری در صفحه تلویزیون ظاهر شد. سرهنگ مولوی هلیکوپترش به دکل برق فشار قوی بر خورد کرد و تکه تکه شد. سروان فشقابی زیر فشار شدید شاه خود کشی کرد. تیمور بختیار به خارج گریخت و توسط ساواک خود ساخته ترور شد.

"حزب ملت ایران"

همواره بر این باور راستین پای می فشارد که تنها راه خروج از بن بست های سیاسی، اجتماعی، باز پس دادن تمامی حقوق ملت به مردم و برقراری سامانی است مردم سالار. بگیر و ببند و زندان و تبعید راه رهایی ملت نیست و اولین گام در این راه آزادی تمامی زندانیان سیاسی است.

برقرار باد مردم سالاری

دروید بر سرداران نهضت ملی مصدق، فاطمی و فروهر

برچیده باد زندان سیاسی

دبیر خانه حزب ملت ایران

تهران ۱۹ آبانماه ۱۳۸۹ خورشیدی